



← اساس و نوع نگاه ما به تاریخ یک ساله ای که ما در دوران کرونا تجربه کردیم بی شک در وهله اول پُرآمده از نوع نگاه و تحلیل هر کس از این ماجراست و طبیعتاً هر کسی بسته به زاویه نگاه، دید و تفسیرش از عالم، برداشتی از این یک سال خواهد داشت و همه این تفکرات و تحلیل ها وابسته به جهان بینی و نگرش هستی شناسانه اوست. یک نفر با نگاه و تحلیل و تفسیری معنادرایانه و معنوی که به عالم دارد، با قضیه برخورد می کند و کسی دیگر به این لایه های زیرین توجه کمتری دارد و سعی می کند همه چیز را در سطح ببیند و در همین سطح، تحلیلی ارائه بدهد. با این توصیف و مقدمه باید بگویم اگر چه در این یک سال بسیاری از جمله نزدیکان مستقیم و غیرمستقیم خود من و خانواده های بسیاری از مردم کشورم داغدار رفتن عزیزانشان شدند و از صمیم وجود با آنها همدردی و شراکت در غم شان دارم اما این نکته، باعث نمی شود که صرفاً به تلخی ها و جنبه های صرفاً منفی و مصیبت بار آن توجه و فکر کنم. شفاف باید به این نکته اشاره کنم که عماد افروغ در سطح کلان، نگاهی

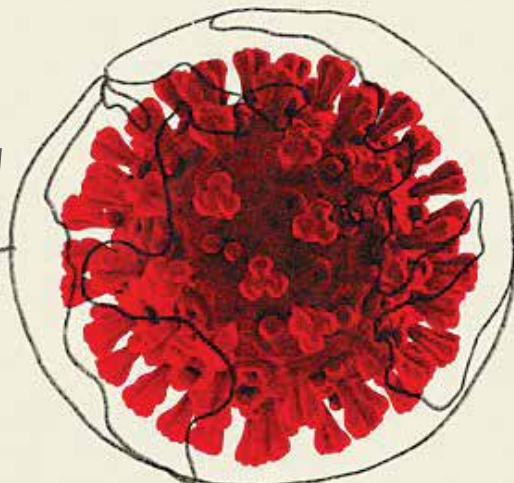
مهم است و وجود دارد» به جمله مهمی در جوامع امروزی تبدیل شد. سطح چهارم از تغییر، تغییر شکل رابطه انسان با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی است. بسیاری از این روابط و ساختارها به هم ریخت و اگر تحلیل کلان اقتصادی بخواهیم کنیم، دیگر جهانی سازی و سرمایه داری جای جولان ندارد. بنابراین بگذارید من حرف دلم را بزنم؛ من به کرونا جسارت نکردم و هرگز از آن به عنوان یک ویروس منحوس یاد نکردم و چنین چیزی را به زبان نیاورده و نمی آورم. از نظر و دیدگاه من اگر کرونا را برای آسمانی هم بدانیم؛ باید در ادامه اش این را هم بگوییم که این بلا، یک موهبت آسمانی برای بشر نیز بود. بلا موهبت است و نازل می شود و برای عده ای درس عبرت است و از بلاهای بزرگتر و بیشتری جلوگیری می کند و ذهن ناکامل بشر نمی تواند تا هنگام وقوع به آن احاطه داشته باشد و امر، امری الهی است که در زمان و موعد مقرر خود محقق می شود. کرونا علی القاعده باید ما را به انسان های بهتری تبدیل کند. وقتی می گوئیم کرونا چنین تحولاتی را رقم زده در واقع مسئولیت ماست که سنگین تر شده و معنی آن این است که ما مثلاً باید به مساوات، متوجه قشرهایی ضعیف باشیم که در خانه مانده اند و آسیب دیده اند و برای آنها فکر کنیم و دستی بجنبانیم از سر رفع گرفتاری و به داد و درد آنها برسیم.

مأموریتش را انجام می دهد و اگر خوب نگاه کنیم می بینیم این مأموریت گاهی در به زانو در آوردن نهادهای علمی پرطمطراق جهان یا نظام سرمایه داری خود را نشان می دهد و می شود مصداق های فراوان از این مسأله پیش نظر گذاشت. درست در دوران کروناست که اتفاقات مهمی در جهان سرمایه داری رخ می دهد. ترامپ بعد از کرونا رأی نمی آورد و با بیکاری پنجاه میلیونی امریکا مواجه می شود و هیچ کس فکر نمی کرد ترامپ به لحاظ اقتصادی ضربه بخورد و فرو بیاشد و تا پیش از شیوع و جولان کرونا در امریکا، بسیاری از منتقدان او حتی معتقد بودند که ترامپ به لحاظ اقتصادی خوب عمل کرده اما کرونا همین معادله را هم به هم زد و در نهایت هم سیل بیکاری در امریکا و هم ناتوانی اش در مهار کرونا او را شکست داد. باید اینها دیده شود و روی آنها فکر کرد.

از سویی دیگر؛ چرا به این اشاره نکنیم که کرونا در چهار سطح تغییر و تحول اساسی به وجود آورد. در یک سطح باعث تغییر و تحول رابطه انسان با طبیعت شد. ما با طبیعت بیگانه بودیم و ارتباط ما با طبیعت با تسلط ما بر آن معنی می گرفت و این تسلط به سرکشی از طبیعت رسیده بود. ما پدر طبیعت را در آورده ایم و هرگز به این مسأله فکر هم نکردیم که ما اشتراکات بسیاری با طبیعت داریم و مسئولیتی در قبالش. فقط بهره کشی کردیم و کرونا این تفکر را به

انسان فراموشکار را تکانی بدهد

به نام کرونا



کرونا مأموری که می خواهد

بلا یا موهبتی

این است که ما را در روزگاری که کرونا به نظر بسیاری بلایی شده، انسان های بهتری می کند تا به هم نزدیک تر شویم و آلام یکدیگر را کاهش دهیم. در این بحث، عدالت اجتماعی نباید پیش پای بخشش های فردی و دون پایه ذبح شود و نمی شود ما همه تقصیرها و مسئولیت ها را گردن کرونا بیندازیم و شانه خالی کنیم از زیر بار مسئولیت انسانی که داریم. نکته نهایی که باید به آن اشاره کنم مبین این مطلب است که به عقیده من، نهاد علم ما طی سال های گذشته مدام اسیر فرمالیسم و شکل گرایی بود و نه در پی معنا و رفع نیاز مردم. حال ممکن است بعضی بگویند افروغ ضد علم است؛ نه. چنین چیزی نیست. از نظر من مدت هاست که بسیاری علم را تعینی و درجه ای کرده اند و مثل ثروت، تنها به وجوه مادی آن تأکید می شود و نیز به نظام بالا به پایینی آن. در این مدت اخیر چنین رویکردی عقب نشینی کرد و جای خود را به معناشناختی علم داد و راهکار آن برای برون رفت از مصایب انسانی و پیدا کردن راه بهبود حالی برای بشر... در پایان باز به این نکته تأکید می کنم که جامعه ما به عنوان یک اندام انسانی زجر بسیار کشید و کسان بسیاری داغ دیدند و به شخصه شریک غم همه آنها هستم و این مسأله، البته که مسأله و درد بزرگی است؛ اما توجه به درس هایی که ما از کرونا گرفته و می گیریم نیز توجه مهمی است برای همه ما که نفس می کشیم و در کشاکش مرگ و زندگی، بر کفه سنگین ترازوی زندگی ایستاده ایم و باید فکر کنیم و بنیادی فکری برای آنچه در این یک سال تجربه کردیم به دست بیاوریم. ■

هم زد و گفت کسی حق ندارد با طبیعت چنین برخوردی داشته باشد و اگر قرآن فرموده طبیعت در اختیار شماست، این به معنی تسلط و ویرانی آن نیست؛ بلکه دلیلی است بر حفاظت و مسئولیت نسبت به آن. نویسنده کتاب انسان خردمند در بخشی از آن به این نکته اشاره می کند که جهان عنقریب بر مرگ هم فائق خواهد آمد و مرگ هم یک بیماری است و همه ما دیدیم که کرونا آمد و این نظریه را به کل رد کرد و به آن خندید. بسیاری از اپیدمیولوژیست ها تا پیش از کرونا فکر می کردند هرگز دیگر اپیدمی و بیماری در سطوح بیماری های کلان در گذشته به سراغ انسان نخواهد آمد اما این اتفاق افتاد. در سطح دوم تغییر و تحول در روابط، این رابطه انسان با انسان و انسان با پروردگار بود که تغییر کرد. انسانی که خدا و خود واقعی خودش را فراموش کرده بود و غرق در محسوسات و دنیا شده بود را تکانی داد و به خود آورد و به او فهماند که مرگ نزدیک است. در این سطح، وقتی هر کسی با هر تفکر و آیینی می بیند که مرگ در نزدیک ترین مقام، کنار او و چسبیده به او ایستاده است، یعنی کرونا مأموریت خود را انجام داده است. مرگ آگاهی امروز بسیار به ایده انسان ها در هر سطحی، راه پیدا کرده است و آنها دارند با این تفکر زندگی می کنند و این مرگ اندیشی یقیناً آنها را انسان های متفاوتی از آنچه قبلاً بوده اند کرده است. شکل رابطه انسان با دیگری نیز سطحی متفاوت است از تحولات و تغییراتی که کرونا مسبب آن شد. در این مقطع، نوع دوستی تجلی کرده است و این جمله که «دیگری نیز

منفی به کرونا ندارد و برای خود تفسیری الهیاتی از آن دارد که گاهی در مصاحبه ها و یادداشت هایی هم به آن اشاراتی کرده ام و در این یادداشت هم به این نکته مجدد نقبی می زنم که من، نمی توانم نگاه عارفانه ای به آن چه در این یک سال، کرونا رقم زد نداشته باشم. این اساس نگاه من است و کسی نمی تواند من و تحلیل و نگاهم را متهم به درست و غلط کند چون پیش از هر چیزی باید در این قضیه دید که تعریف ما اصولاً از «درست» و «غلط» چیست و چگونه باید این گزاره ها را در برابر تحلیل و ایده ای این چنین گذاشت. با این حال این دیدگاه سرمنشأ و مشربی فکری در ذهن من دارد که سعی می کنم در سطور پیش رو، به آن بپردازم.

کرونا معاملات و معادلات بسیاری را در جهان به هم زد و ساده اگر در یک جمله بخواهیم بگوییم باید به این نکته اشاره کنیم که دنیای قبل از کرونا دنیای قابل دفاعی نبود و کرونا اساس این دنیای سرشار از اعتباریات و متن های کاذب را فرو ریخت. بسیاری از این اعتباریات، به عنوان حقیقیات به خورد ما داده شده بود. به عنوان مثال بیابیم و تحقیق کنیم و ببینیم که چه دکان بازی هایی را که کرونا تعطیل نکرد یا چه نهادهایی که خود را القا می کردند و کرونا این القا را تخفیف داد یا شکست. معتقدم کرونا وجه مثبتی دارد که بسیار قابل تأمل است اگر بخواهیم بگوییم کرونا مأموریتی داشته و این مأموریت را بیرون از خانه انجام می دهد و لذا ما باید در خانه بمانیم تا او به این مأموریتی که شاید آن چنان منفی نیست بپردازد اما نکته اینجاست که او کار خودش را می کند و